

نقش دکترین اوراسیاگرایی در گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه (۲۰۰۰ تا

۲۰۱۷)

رضا کوچک زاده تهمتن^۱ - مهناز گودرزی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۹

چکیده:

اوراسیاگرایی از جمله نظریه‌های مهم در سیاست خارجی روسیه است که در سال‌های اخیر به شدت از سوی دولت مردان کرملین مورد توجه قرار گرفته است و بیش از هر اندیشه دیگری به سیاست خارجی روسیه جهت می‌دهد. اوراسیاگرایان بیش از آنکه به غرب توجه داشته باشند، به شرق‌گرایی معروف هستند. از این رو در نگاه اوراسیاگرایان، شرق از جایگاه مهمتری نسبت به غرب برخوردار است. به همین سبب نیز گسترش روابط با ایران در سال‌های گذشته در کانون توجه اوراسیاگرایان قرار گرفته است. اتخاذ سیاست اوراسیاگرایی در دوران روی کار آمدن پوتین دریچه جدیدی را به جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه گشود و نقش ویژه‌ای به ایران در سطح منطقه بخشید. این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که نقش سیاست اوراسیاگرایی در گسترش روابط ایران و روسیه چیست؟ یافته‌های این مطالعه، حاکی از آن است که، با اتخاذ سیاست اوراسیاگرایی در سیاست خارجی روسیه و نگاه به شرق، ایران از اهمیت شایان توجهی در دستگاه سیاست خارجی روسیه برخوردار گردید. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: اوراسیاگرایی، ایران، روسیه، روابط خارجی، واقع‌گرایی تدافعی

^۱ - دانشجوی دکتری، روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
r_tahamtan50@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران: نویسنده مسئول

m_goodarzi@khuisf.ac.ir

مقدمه:

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نقطه عطفی برای تغییر ماهیت نظام بین‌الملل از دوقطبی به تک‌قطبی و همچنین تقلای کشور روسیه برای بدست آوردن ثبات و امنیت بود. روسیه در جستجوی هویت از دست رفته خویش به این واقعیت دست یافت که سیاست آتلانتیک‌گرایی و دنباله روی از تک‌قطب، سبب سرخوردگی هر چه بیشتر مسکو در سطح داخلی و خارجی شد. با روی کار آمدن پوتین پنجره‌ای از امید به روی مردم روسیه گشوده شد و اتخاذ رویکرد اوراسیاگرایی از سال ۲۰۰۰ میلادی، سبب جلب توجه روسیه به کشورهای حوزه آسیای مرکزی، قفقاز و منطقه خاورمیانه شد.

اوراسیاگرایی نظریه مشهور در سیاست خارجی روسیه است که از دیر ایام بر رویکردها و رفتارهای مسکو در این حوزه تأثیر داشته است. هواداران این نظریه با تأکید بر هویت متمایز روسیه از شرق و غرب، بر این مهم تأکید دارند که مسکو باید مواضع مستقلانه‌ای در عرصه بین‌الملل اتخاذ کند و روابط با کشورهای شرق و غرب را بر اساس این هویت متمایز بنا کند. در این میان، از روابط با کشورهای مختلف از جمله ایران نیز حمایت می‌شود. روابط ایران و روسیه، همواره فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. همچنان که گاهی دو کشور آنچنان به یکدیگر نزدیک شده‌اند که صحبت از مشارکت راهبردی آنها به میان آمده و گاهی نیز چنان از یکدیگر فاصله گرفته‌اند که تا آستانه تیرگی روابط پیش رفته‌اند. اما با اتخاذ رویکرد اوراسیا-گرایی در سیاست خارجی روسیه و نگاه به شرق، ایران از اهمیت شایان توجهی در دستگاه سیاست خارجی روسیه برخوردار گردید.

برای تبیین بهتر موضوع از میان نظریه‌های روابط بین‌الملل از واقع‌گرایی تدافعی، بهره گرفته می‌شود و با استفاده از جنبه‌های مختلف این نظریه، رفتار سیاست خارجی روسیه، تأثیر و نقش دکترین اوراسیاگرایی در گسترش روابط ایران و روسیه (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷) مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری

نو واقع‌گرایی^۱ یا واقع‌گرایی ساختاری^۲ را نخستین بار کنت والتس^۱ در کتاب *نظریه سیاست بین‌الملل* ارائه داد. نو واقع‌گرایی به اصول و مفروضه‌های محوری واقع‌گرایی کلاسیک مانند کشور

^۱ . neorealism

^۲ . structural realism

محوری، قدرت محوری، موازنه قوا، آنارشی یا وضع طبیعی بین‌المللی و یکپارچگی و عقلانیت کشورها وفادار است. نو واقع‌گرایی، برخلاف واقع‌گرایی کلاسیک، نظریه‌ای در سطح تحلیل کلان یا تصویر سوم است که رویکردی برون به درون به نتایج و سیاست بین‌الملل دارد. (دهقانی فیروز-آبادی، ۱۳۹۱)

ساختار نظام بین‌الملل به وسیله یک اصل نظام‌بخش و توزیع مقدرات و توانایی بین واحدها تعریف و تشکیل می‌شود. اصل نظام‌بخش در سیاست بین‌الملل که به ساختار نظام بین‌الملل شکل می‌دهد آنارشی است. (والتس، ۱۹۷۹: ۲۷) ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل سه الگوی رفتاری را برای کشورها، در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی اجتناب‌ناپذیر می‌کند. نخست، آنارشی باعث بی‌اعتمادی و سوءظن کشورها نسبت به یکدیگر می‌شود. (بن ایزاک، ۲۰۱۱: ۳۱۶) دوم، مهم‌ترین ارجحیت و هدف کشورها در نظام بین‌الملل آنارشیک تأمین امنیت و تضمین بقاست. و سوم، کشورها در نظام بین‌الملل غیرمتمرکز تلاش می‌کنند تا برای تأمین امنیت خود به کسب قدرت مبادرت ورزند. هدف غایی کشورها در نظام بین‌الملل تأمین امنیت است نه کسب قدرت. دلیل امنیت طلبی از طریق کسب قدرت نیز بسیار ساده است، چون هر چه قدرت و مزیت و برتری نظامی یک کشور بر دیگران بیشتر باشد، ضریب امنیتی آن بالاتر خواهد بود. (میرشایمر، ۲۰۰۱: ۳) با این حال، واقع‌گرایان ساختاری در مورد میزان قدرت لازم و کافی برای تأمین امنیت ملی و چگونگی آن اختلاف نظر داشته و به دو دسته تدافعی و تهاجمی تقسیم می‌شوند.

تئوری پردازان عمده نظریه نو واقع‌گرایی تدافعی با تأکید ویژه بر مسأله امنیت و ماهیت دفاعی عملکرد کشورها در سطح بین‌المللی زمینه را برای فهم بسیاری از منازعات و کشمکش‌های منطقه‌ای و جهانی مهیا نموده‌اند. (واگنر، ۲۰۰۷: ۱۵) نظریه واقع‌گرایی تدافعی، حاصل تحول در اندیشه‌های اولیه والتس است. والتس در نظریه نو واقع‌گرایی مبنای تحلیل خود را که به وجه تدافعی این نظریه شهرت دارد، در کتاب نظریه‌ی سیاست بین‌الملل، افزایش قدرت در حد تضمین امنیت بیان می‌کند، اما برخلاف گذشتگان واقع‌گرای خود آن را در سطح بین‌المللی و کلان مطرح می‌کند نه سطح ملی و منطقه‌ای. (فیضی، ۱۳۹۰: ۸) «بر اساس نظر والتس، هرگونه اقدام نظامی و امنیتی نمی‌تواند انعکاس اراده کشورها تلقی شود. به بیان دیگر، هرگونه همکاری یا تعارض بین کشورها تابعی از فضای بین‌المللی می‌باشد. (والتس، ۱۹۷۹:

¹ . Kenneth Waltz

۱۳۵) به دیگر سخن، در واقع گرایشی تدافعی دغدغه امنیت اساسی‌ترین مساله است. سوال اصلی برای این گروه از واقع‌گرایان این است که چه مقدار از قدرت برای دولت‌ها لازم و یا کافی است؟ پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شده این دو نحله واقع‌گرایانه را متمایز ساخته است. (کریشنر، ۲۰۱۰: ۴) از طرف دیگر، والتس امنیت را به مثابه هدف اصلی دولت‌ها می‌نگرد، اما این نظریه را رد می‌کند که دولت‌ها برای رسیدن به امنیت برای افزودن بر قدرت خود تلاش کنند؛ زیرا که از نظر او دولت‌ها ضرورتاً نیتی تهاجمی و تجاوزگرانه ندارند. در واقع از نظر والتس، آتارشی یک نظام خودیاری و رقابت ذاتی تولید می‌کند؛ اما این امر ضرورتاً تجاوز را تولید نمی‌کند. دولت‌ها اغلب می‌توانند با همکاری با یکدیگر امنیت خود را تأمین کنند. (والتس، ۱۳۹۴: ۷۸)

رویکردهای تهاجمی و تدافعی دو تفاوت عمده دارند: نخست آنکه؛ دولت تهاجمی امنیت را در کاهش عامدانه امنیت سایر کشورها جستجو می‌کند؛ در حالیکه که دولت تدافعی این‌گونه عمل نمی‌کند. دوم اینکه؛ دولت‌های تهاجمی امنیت یکدیگر را به صورت متعمدانه تهدید می‌کنند در حالیکه دولت‌های تدافعی به صورت عمدی امنیت یکدیگر را تهدید نمی‌کنند. (شیپینگ، ۲۰۰۸: ۳) بنابراین، اگر چه کشورها در پی افزایش قدرت خود هستند ولی مهم‌ترین هدف آنها جلوگیری از افزایش قدرت دیگران و بر هم خوردن موازنه قدرت به ضررشان است. اولین دغدغه کشورها بیشینه ساختن قدرت نیست بلکه حفظ جایگاهشان در نظام است. راهبرد کشورها برای مقابله با تلاش و اقدام رقبا برای افزایش قدرتشان موازنه‌سازی است. کشورهایی که احساس تهدید می‌کنند از طریق موازنه‌سازی درون‌گرا، یعنی تقویت و افزایش توانایی‌های خود، یا موازنه‌سازی برون‌گرا، در چارچوب اتحادها و ائتلاف‌های نظامی به مقابله با کشور بر هم زننده موازنه قوا برمی‌خیزند. در نتیجه کشورهای توسعه‌طلب به شدت از سوی سایر کشورها نظارت و کنترل می‌شوند. (والتس، ۱۹۷۹: ۱۲۸) بر این اساس، کشورها نباید در جهت دستیابی به هژمونی جهانی و منطقه‌ای تقلا نمایند. کشورها نباید تلاش کنند تا سهم خود از قدرت جهانی را بیشینه سازند؛ چون سایر کشورها از طریق افزایش قدرت خود یا تشکیل ائتلاف دسته جمعی به مقابله با آنان خواهند پرداخت. نظام بین‌الملل آنارشیک کشورها را مجبور می‌کند تا به جای پیگیری هژمونی در پی حفظ جایگاه خود در موازنه قوا از طریق کسب میزان مقتضی از قدرت باشند. این امر بیانگر آن است که نظریه والتس ماهیت تدافعی و جهت‌گیری حفظ وضع موجود را دارد. (میرشایمر، ۲۰۰۹: ۲۴۴)

والتس آشکارا اذعان دارد که عاقلانه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهبرد تأمین بقا و امنیت موازنه

سازی است نه توسعه‌طلبی و جنگ. همچنین اعتقادی به وقوع انقلاب و تحول بنیادین در نظام بین‌الملل ندارند زیرا بر این باورند که ساختار آنارشیک همسانی و تشابه رفتاری در بازیگران را سبب می‌شود. (دوئرتی، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

در واقع‌گرایی تدافعی دغدغه امنیت اساسی‌ترین مسئله است. واقع‌گرایان تدافعی نیز به رابطه میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل از یک سو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. (جرویس، ۱۹۹۹: ۶۳-۴۲) برخلاف واقع‌گرایی تهاجمی، فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست، در نتیجه دولت‌ها که این را در می‌یابند رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است و تنها در شرایطی که معضله امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد نمود. به عبارت دیگر دولت‌ها زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود می‌کنند که احساس ناامنی کنند. بر این اساس حضور دولت در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می‌گیرد. (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۵) دیگر ایده مطرح شده در نظریه نو واقع‌گرایی تدافعی، ایده "موازنه تهدید"^۱ از والتس تا استفان والت می‌باشد. والت برخلاف نظریات پذیرفته شده، بر این باور است که کشورها نه بر اساس اصل توازن قوا، بلکه بر اساس توازن تهدید عمل می‌کنند. مطالعات انجام شده توسط والت نشان می‌دهد که کشورها نه در مقابل قدرت بلکه در مقابل تهدید دست به توازن زده‌اند. (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۴۷) تهدید در نگاه او عبارت است از: ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، توان‌مندی‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی، و نیات تجاوزکارانه احتمالی آن. پس صرف قدرت مهم نیست و سایر عوامل نیز مهم‌اند.

در همین راستا و بر مبنای ۴ فاکتور ذکر شده، چون برقراری توازن اقدامی فراگیر است و والتس نتیجه می‌گیرد که رفتار تجدیدنظرطلبانه و تجاوزکارانه محکوم به شکست است و «دولت‌های طرفدار وضع موجود می‌توانند نگاه نسبتاً خوش‌بینانه‌ای به تهدیدها داشته باشند. در جهان برقراری توازن، بهترین سیاست‌ها آنهایی هستند که حاکی از خویشتن‌داری و خیر-خواهی باشند». (المن، ۱۳۹۴: ۵۹-۵۸) در جهت تکمیل این تئوری، استفان والت را باید نظریه پرداز «موازنه تهدید» در تنظیم پیمان‌های دفاعی دانست. وی بر این اعتقاد است که

^۱. Balance of Threat

هرگونه ائتلاف و اتحادی نیازمند همکاری‌های منطقه‌ای و همچنین احساس تهدید مشترک می‌باشد. در این رابطه، اراده سیاسی کشورهای منطقه‌ای به تنهایی نمی‌تواند عامل گسترش همکاری‌های دفاعی - امنیتی محسوب شود، بلکه باید آن را در چارچوب فضای بین‌المللی گسترده‌تری مورد توجه و تحلیل قرار داد.

به طور کلی این رویکرد هدایت سیاست خارجی کشورها را پاسخی به تهدیدات خارجی می‌داند. به عبارت دیگر امنیت در نگاه تدافعی‌ها برابر است با برخورداری از قدرت کافی برای ایجاد موازنه. تا جایی که موازنه برقرار است امنیت نیز وجود دارد. اگر کشوری قصد برهم زدن امنیت و موازنه را داشته باشد کشورها بایستی جهت کسب امنیت، اقدام به افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید نمایند. (ویکتور، ۲۰۰۶: ۵۱)

اوراسیاگرایی در سیاست خارجی روسیه

اوراسیاگرایی یکی از تئوری‌های مهم در سیاست خارجی روسیه است که طی چند سال اخیر تأثیر مشهودی بر سیاست‌های کرم‌لین گذاشته است. این نظریه با تأکید بر هویت متمایز روسیه از غرب، تأکید دارد که مسکو باید مواضع مستقلی در عرصه بین‌المللی اتخاذ کند. (اخوی، ۱۳۹۰: ۱۱۰) مبنای فکری این مکتب ریشه در نظریات ژئوپلیتیک مکیندر^۱ و هاوس هوفر^۲ دارد؛ به ویژه مفهوم هارتلند^۳ یا قلب زمین که اشاره به سرزمینی از راین^۴ تا نووسیبیرسک^۵ است و با این اعتقاد که هرکس بر قلب زمین مستولی شود، اوراسیا را کنترل کرده و کنترل اوراسیا به معنی کنترل جهان است. (کولایی، ۱۳۹۳، ۲۸۲-۲۸۳)

اوراسیاگرایی، از کلاسیک تا نواوراسیایی‌گرایی

نظریه اوراسیایی کلاسیک در سالهای ۱۹۳۰-۱۹۲۰ شکل نهایی به خود گرفت. پیروان مکتب فلسفی اوراسیایی اوایل قرن بیستم اندیشه‌های دانیلفسکی^۶ و چادایف^۷ را توسعه داده و اظهار عقیده کردند که سلطه مسلمانان از تابعیت از مسیحیان لاتین بهتر بود. (جانسیز، ۱۳۹۰: ۴۰۵) پس از فروپاشی اتحاد جماهیرشوروی، فرایند تصمیم‌سازی سیاست خارجی روسیه در

^۱ .hal ford makinder

^۲ .Marlen Haushofer

^۳ .Hartland

^۴ .Rhine

^۵ .Novosibirsk

^۶ .Nikolay Yakovlevich Danilevsky

^۷ .Chaadaev Peter Yakovlevich

دهه ۹۰ دچار نوعی هرج و مرج شد و دوره‌ای از آشفتگی شدید را پشت سر گذاشت. تحولات این دوران حاکی از پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیک غرب و هم‌زمان عقب ماندگی روسیه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و عدم واکنش‌های فعال در مقابل غرب بود. کشمکش نهادها، احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی بر سر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی برای کسب قدرت موجب ورود تفکرات مختلف از جمله «یورواتلانتیسیم» و «یورواسیانیسم» به کرملین شد. یورواتلانتیسیم تلاشی برای مشابهت دادن ارزش‌های روسی و غربی بود که غرب را نه نقطه مقابل بلکه شریک روسیه می‌پنداشت.

سیاست‌های یلتسین و آندره کوزیرف، موجب از بین رفتن جایگاه روسیه در عرصه بین‌الملل شد و با استمرار رویکرد تهاجمی غرب و روند ناامیدی از تعامل جدی غرب به تدریج نفوذ این گروه کاهش یافت و موجب رشد گروه‌های مخالف شد و بهانه مناسبی برای چیرگی «یورواسیانیست-ها» فراهم آورد. (کولایی، ۱۳۹۲: ۲۵۲-۲۵۵) از نگاه آنها هرچند همکاری با غرب در افزایش شاخص‌های قدرت روسیه تأثیرگذار بود، اما این تعامل با شرق است که سبب حفظ استقلال روسیه در مقابل دنیای غرب می‌شود. (سرگونین، ۲۰۰۴: ۲۲) بنابراین دیدگاه اوراسیاگرایی کلاسیک در تضاد با غرب و به عنوان موازنه‌ای با آن مطرح شد. روسیه با اتخاذ دیدگاه امنیت محور، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را مرز سیاسی و امنیتی خود می‌دانست و هرگونه ناآرامی در این مناطق به منزله بر هم خوردن نظم و امنیت کشور روسیه مطرح می‌شد و دیدگاه غالب آن نسبت به غرب، روی گردانی کامل از غرب بود. بر همین مبنا نقش رهبری جبهه مخالف هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل، به عنوان یکی از اصول دکترین اوراسیاگرایی مطرح شد. از جمله؛ فعالیت‌های گسترده این کشور در سازمان همکاری شانگ‌های نیز مؤید این موضوع است که روسیه تلاش دارد با عامل همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در جهت تغییر نظم تک‌قطبی کنونی جهان به یک نظام چندقطبی مبتنی بر قدرت نرم حرکت کند. (جارودو، ۲۰۱۶: ۶-۷) تلاش روسیه برای ایجاد یک نظام غیر غربی حاکمیت بین‌المللی از طریق فعالیت‌هایی مانند تشکیل گروه بریکس^۱، مشارکت فعال در سازمان همکاری شانگ‌های^۲ و ایجاد اتحادیه همکاری اوراسیا^۳ آشکار است. (دابس، ۲۰۱۶: ۳) از سوی دیگر در شرایط بحران جهانی و بحران

^۱. BRICS: Brazil, Russia, India, China and South Africa.

^۲. The Shanghai Cooperation Organization (SCO)

^۳. Eurasian Economic Union

بحران در روابط روسیه و غرب این مسئله ضرورت پیدا کرد که روسیه با دخالت مستقیم در تحولات (نمونه سوریه) نقش و جایگاه بین‌المللی خود را ارتقاء دهد و به مقابله با یک تازی آمریکا بپردازد. (کاترینا، ۲۰۱۶: ۳) همه این تلاشها در جهت مقابله با هژمونی آمریکا می‌باشد.

نو اوراسیاگرایی

اوراسیاگرایی پس از فروپاشی شوروی سابق تحت عنوان اوراسیاگرایی نو مجدداً زنده شد. علاوه بر نسل قدیمی نظریه‌پردازان و نظریه‌یوگنی پریماکوف، می‌توان از الکساندر دوگین^۱ به عنوان نظریه‌پرداز نو اوراسیاگرایی نام برد. دوگین در کتابی به نام **تئوری چهارم** سیاست سعی کرده تا نو اوراسیاگرایی خود را تئوریزه نماید. وی در این کتاب که سال ۲۰۰۹ در روسیه منتشر شد، قرن بیستم را به عنوان قرن ایدئولوژی‌ها، یک قرن به پایان رسیده تلقی می‌کند. بررسی اندیشه دوگین و سایر نو اوراسیاگرایان مبین این نکته است که اندیشه آنها بر چهار مولفه اساسی استوار است: "تسلط بر سرزمین‌های شوروی سابق و ضدیت با حضور ایالات متحده آمریکا در این مناطق"، "عدم تقابل با جهان اسلام"، "ضدیت با نظام تک قطبی مورد نظر آمریکا" و "توازن بین شرق و غرب". (قاسمی، ۱۳۹۳: ۳)

پوتین و اوراسیایی‌گرایی

روی کار آمدن ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ نقطه عطفی در تاریخ معاصر روسیه به شمار می‌آید. آغاز ریاست جمهوری وی با افزایش قیمت جهانی نفت همراه بود که موجب شد وی بتواند وضعیت داخلی و امنیت اجتماعی روسیه را ثبات بخشد و سیاست خارجی این کشور را از حالت انفعال خارج کند. پوتین از آغاز تشکیل دولت، بازیابی جایگاه روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ را در دستور کار خود قرار داد. (عطایی و تفتیان، ۱۳۹۳: ۲۹۴) با روی کار آمدن مجدد پوتین در ۲۰۱۲ کرملین راهبرد سیاست خارجی روسیه قدرتمند بزرگ را برای بازگشت به قدرت گذشته خود در پیش گرفته است که در این راهبرد تقویت مواضع ژئوپلیتیک با هدف بازیابی نفوذ از دست رفته خود در عرصه جهانی، مورد تاکید است. (کوشکین، ۲۰۱۵: ۳) پوتین تلاش‌های خود را برای به دست گرفتن سرزمین‌های بیشتر در اوراسیا و اروپا برای کسب برتری در اوراسیا در پیش گرفت و همانند ملی‌گرایان دهه ۹۰ به رویکردهای ژئوپلیتیک بخصوص

¹ Aleksandr Dugin

در حوزه جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی برای نفی یکجانبه‌گرایی آمریکا و کسب جایگاه برتر در نظام بین‌الملل روی آورده است. (تسیاگانف، ۲۰۱۵: ۲۸۰)

همزمان با تغییرات صورت گرفته در سیاست‌های روسیه از تغییر سیاست دنباله روی به موازنه قدرت و در کنار آن تقلا برای دستیابی به قدرت برتر منطقه و در پی آن هم طرازی با هژمون، روسیه با اتخاذ سیاست و رفتار عمل‌گرایانه سعی دارد تا نظام بین‌الملل را با خود همسو کند در این راستا یکی از مهم‌ترین کارکردهای روسیه توجه به اوراسیاگرایی است.

رویکرد اوراسیا گرایانه و جایگاه ایران

ایران به عنوان یک کشور بزرگ آسیایی، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک، تاثیرگذاری از بعد سیاسی، بهره‌مندی قدرتمند از فرهنگ غنی و تاثیرگذاری بر روند معادلات منطقه‌ای، قدرت-های جهانی و روسیه را واداشته است تهران را به عنوان قدرتی منطقه‌ای و تاثیرگذار بپذیرند و در رویکرد و در نگرش خود بازنگری نمایند. در این راستا با افزایش قدرت ژئوپلیتیک ایران در یک دهه گذشته عملاً تهران خود را به عنوان قدرتی فرا منطقه‌ای به جهان نشان داده است. در بعد دیگری بحران اوکراین و تنش با غرب نیز در جلب توجه بیشتر مسکو به تهران تاثیر گذار بوده است. در این راستا تنش در مورد بحران اوکراین و گسترش ناتو به سوی مرزهای غربی روسیه موجب افزایش نگرانی‌های روسها شده است علاوه بر این نگرانیها، روسیه با وجود اینکه تعداد زیادی از نیروهای داعشی از قفقاز جنوبی و چچن هستند نگران بوده و این خطر همواره وجود دارد که تروریست‌ها راه خود را به سوی مرزهای همجوار روسیه کج و تهدید امنیتی برای روسیه بیافرینند. (سقائیان، ۱۳۹۴)، "ظرفیت‌های کنونی روابط روسیه و ایران، خبرگزاری فارس".

از دیدگاه تئوریسین اوراسیایی گرایان یعنی دوگین، ایران به عنوان قدرت قاره‌ای پدیدار شده که می‌تواند با تفاوت بسیار بیشتری از دیگر کشورهای مسلمان در منطقه که برخی از آنها مانند ترکیه و عربستان سعودی فقط به آلت دست آمریکایی‌ها بدل شده‌اند به طور کامل دنباله رو سنت قاره‌ای روسیه باشد. دوگین از این چشم‌انداز، انقلاب ۱۹۷۹ ایران را تحسین کرد که توانسته کشور را به سنت‌های خود بازگرداند. اتحاد با ایران به مثابه یک نیروی تقویت‌کننده اصلی برای آینده است. (حسینی و ابوالحسنی، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰) در این رویکرد روابط روسیه بایستی در تمام جنبه‌های آن با ایران گسترش یابد. از دید کارشناسان روسی گسترش روابط

روسیه و ایران در تمام زمینه‌ها و بهره‌گیری از مولفه‌های راهبردی یکدیگر نه تنها در سطح منطقه بلکه در سطح بین‌المللی بایستی مد نظر دو طرف قرار گیرد. در این باره روسها اعتقاد دارند که روابط ایران و روسیه بایستی از حالت شراکتی خارج شده و حالت استراتژیک و راهبردی به خود گیرد. (دانايف، ۲۰۱۲: ۷۶-۷۵) این گسترش روابط از نظر کارشناسان روس دارای دو دستاورد بسیار مهم است: اول باعث حفظ ثبات منطقه در برابر نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای می‌شود و دوم مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا و ناتو و زیاده‌خواهی آنها در آسیای مرکزی و مبارزه با اسلامگرایی افراطی را در پی خواهد داشت. (ماتایوف، ۲۰۱۴: ۵-۳) از جمله منافع روسیه، نه تنها حفظ روابط دوستانه کنونی با ایران بلکه عملی کردن آنها در سطوح واقعی و تقویت یک رابطه شایسته مبتنی بر واقع‌گرایی در قرن ۲۱ است.

اوراسیایی‌گرایی و زمینه‌های همکاری ایران و روسیه

ایران در رویکرد اوراسیایی‌گرایی دارای نقشی راهبردی - نظامی به صورت همزمان در شرق نزدیک، قفقاز، آسیای مرکزی، خاورمیانه و دولت‌های حوزه دریای خزر است. همه کشورهای این منطقه دارای اشتراکاتی با ایران هستند. به همین خاطر حل مشکلات منطقه چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی ارتباط نزدیکی با ایران پیدا می‌کند. از جمله این مشکلات می‌توان به مسائل هویتی، مذهبی، نظامی، اقتصادی، مهاجرت، اثرات منفی تجارت مواد مخدر، تروریسم و جدایی‌طلبی اشاره کرد. این موضوعات به همراه تاریخ کهن ایران در منطقه که بالغ بر هزاران سال ارزیابی می‌شود این امکان را به جمهوری اسلامی ایران می‌دهد که بازیگر با نفوذی در تضمین نظام امنیت در منطقه باشد. (سازین، ۲۰۱۱: ۳۴-۳۳) ایران از این جهت برای روسیه با اهمیت تلقی می‌گردد که به عنوان یک متحد منطقه‌ای در برابر هژمونی ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی، شرق نزدیک، قفقاز و در خلیج فارس با روسیه هم عقیده است. از نگاه کارشناسان روس، روابط بین دو کشور از تطابق و سازگاری کامل برخوردار است. (بلیروف، ۲۰۱۴: ۵-۶) پوتین در دیدار با احمدی نژاد در سال ۲۰۰۷ بیان کرد که «همکاری مشترک در جهت برقراری عدالت و دموکراسی در نظم جهانی، تضمین امنیت جهانی و منطقه‌ای برای برقراری شرایطی در جهت همکاری همه جانبه (یورتایف، ۲۰۱۲: ۲۴۴) بین دو کشور ادامه خواهد داشت. در سال ۲۰۱۴ رئیس‌جمهور پوتین اعلام کرد فصل جدیدی از روابط بین ایران و روسیه شروع شده است. این روابط در حوزه‌های زیر است:

گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های اقتصادی، نظامی، فناوری و تقویت حجم تجارت، حل سریع مسئله هسته‌ای ایران و تسریع در گسترش همکاری‌های هسته‌ای با ایران، همکاری در حل مسائل امنیتی در آسیای مرکزی، همکاری در برقراری ثبات سیاسی در میان کشورهای آفریقایی، خلیج فارس و حل بحران سوریه، تلاش در جهت حل مشکلات ساختاری دریای خزر و گسترش همکاری در حوزه دریای خزر، همکاری متقابل در تضمین مشکلات امنیتی در عراق، افغانستان و پاکستان، حل مشکلات منطقه قفقاز، همکاری در جهت مبارزه با تروریسم، تجارت مواد مخدر، مبارزه با جرایم بین‌المللی، مشکلات مهاجرت، هویت و مسائل مذهبی و اختلافات مذهبی. (بلبروف، ۲۰۱۴: ۱۲-۷)

علاوه بر اهداف کلی فوق ایران و روسیه دارای اهداف جزئی تر در برخی مناطق مختلف هستند که به صورت مختصر به آنها پرداخته خواهد شد.

اوراسیاگرایی و همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه آسیای مرکزی

ایران در آسیای مرکزی یک شریک برای روسیه است. تهران مدتهاست که این منطقه را یک اولویت دیپلماتیک در نظر گرفته است و سعی داشته است تا حضور خود را در این منطقه افزایش دهد. در عین حال با در نظر گرفتن اهمیت گفتگو با مسکو، رهبران ایران به دنبال عدم تحریک روسیه در این منطقه بوده‌اند. در مقابل، ایران تلاش دارد تا روسیه را به عنوان یک شریک در منطقه به تصویر بکشد چه در قالب همکاری‌های دوجانبه و چه در قالب سازمان‌های منطقه‌ای. (کوژانف، ۲۰۱۲: ۱۱) واقعیت‌هایی مانند گسترش ناتو به شرق و نیز تحرکات نظامی-امنیتی در آسیای مرکزی و ایجاد پایگاه نظامی از سوی آمریکا در ازبکستان و قرقیزستان، از جمله مسائلی هستند که می‌توانند موجبات نزدیکی بیشتر دو کشور را توجیه نمایند. (جعفری، تقی نژاد، ۱۳۹۱: ۶۵)

دو کشور ایران و روسیه با داشتن اشتراکاتی در اهداف مبتنی بر اعتماد نداشتن به آمریکا و غرب، نگرانی مشترک از خیزش تندروی سنی و هدف‌های مشترک در آسیای مرکزی دارای زمینه‌های همکاری در اوراسیا هستند. (کاتز، ۲۰۱۶: ۱) یکی از مهمترین حوزه‌های همکاری روسیه و ایران در این منطقه، مسئله امنیت و ثبات این منطقه است. تأثیر اوراسیاگرایی بر رابطه ایران و روسیه در منطقه آسیای مرکزی هم دارای فراز و فرود بوده است، به این دلیل که دو کشور

هم دارای منافع مشترک و هم منافع اختلاف‌زا بوده‌اند. در زمینه همکاری بین طرفین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مقابله با حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا، ترکیه و اسرائیل در حوزه‌های مشترک

- مقابله با گسترش افراط‌گرایی در منطقه

- مقابله با گسترش تروریسم و گسترش مواد مخدر در منطقه

- مقابله با گسترش ناتو به شرق و منطقه آسیای مرکزی و قفقاز. (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰:

(۱۴۱)

از این روی با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت در منطقه آسیای مرکزی توجه به مسئله امنیت برای روسیه و ایران در میان اولویت‌ها قرار دارد و همین مسئله زمینه را برای همکاری میان این دو فراهم نموده است. از سوی دیگر تهدید احتمال نفوذ قدرتهای خارجی در منطقه نیز بستر دیگری را برای همکاری میان تهران و مسکو فراهم آورد. جلوگیری از تهدید افراط‌گرایی در منطقه، طرفین را متوجه همکاری با یکدیگر جهت تقویت رویکردهای میانه رو دینی در آسیای مرکزی نیز ساخت.

اوراسیاگرایی و همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه قفقاز جنوبی

قفقاز جنوبی که حوزه منافع ملی فدراسیون روسیه محسوب می‌شود، یکی از اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز هست. عوامل چندی بر منافع ایران در این منطقه اثر می‌گذارد: تاریخ مشترک، قرابت جغرافیایی، روابط دو جانبه، بازار بالقوه برای فروش کالا و فناوری ایران، وجود منابع نفت و دیگر مواد معدنی مفید در منطقه، مسیرهایی که راه‌های مهم ارتباطی و حمل و نقل از آنها عبور می‌کنند، از جمله این عوامل می‌باشند. (سنایی و کرمی، ۱۳۸۷: ۵۰) این منطقه برای هر دو کشور یک محدوده امنیت تلقی می‌شود و ارزش ژئوپلیتیکی دارد. همچون آسیای مرکزی، نفوذ قدرتهای فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی یک تهدید برای هر دو کشور محسوب می‌شود که هر دو را برای جلوگیری از آن به سمت همکاری سوق می‌دهد. به دلیل ویژگی‌هایی که منطقه قفقاز دارد و بخاطر تاثیر تعیین کننده آن بر امنیت ملی هر دو کشور، طراحی و ایجاد زمینه برای هرگونه همکاری پایدار بین ایران و روسیه، علاوه بر آنکه موجب توسعه مناسبات متقابلاً سودمند دو کشور می‌شود، به ایجاد و رشد ثبات و امنیت در

قفقاز جنوبی کمک می‌کند. در نتیجه سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان هم از این همکاری‌ها سود می‌برند. (بهشتی پور، ۱۳۹۰: ۷۶) از طرف دیگر از آنجایی که ثبات و امنیت منطقه پیش شرط توسعه این منطقه است، درگیری‌های منطقه‌ای بویژه در منطقه قره باغ ارمنستان، توسعه در منطقه قفقاز را با کندی مواجه ساخته است. در این راستا یکی از طرح‌هایی که تهران در این زمینه از روسیه حمایت کرده است، طرح روسیه ناظر بر امنیت راهبردی قفقاز در سیاست خارجی این کشور و تمایل نداشتن برای ورود سایر بازیگران از جمله ترکیه و آمریکا در عرصه می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران هم اعتقاد دارد که مسایل و مشکلات موجود در منطقه توسط کشورهای منطقه حل و فصل شود و در این راستا، دو کشور مخالفت خود را با حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای از جمله آمریکا اعلام کرده‌اند. (ملکی، ۲۰۰۷: ۱۲۲) بنابراین بر اساس یافته‌های واقع‌گرایی تدافعی می‌توان دریافت ایران و روسیه در منطقه قفقاز منافع و جهت‌گیری‌های همسویی دارند و از حضور قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از جمله آمریکا و ترکیه در این مناطق که سعی به مقابله با منافع ایران و روسیه دارند، ناراضی می‌باشند.

اوراسیاگرایی و همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه دریای خزر

اوراسیاگرایی در حوزه دریای خزر دارای تاثیرات هم مثبت و هم منفی بوده است. دریای خزر به عنوان نقطه راهبردی، اقتصادی و تجاری، دارای جایگاه و نقش مهمی در روابط ایران و روسیه است. در واقع، منافع مشترک در این منطقه، اهمیت آن را مضاعف ساخته است. روسیه خود را طلایه دار نقش صلح در منطقه خزر می‌بیند و ایران را شریک تجاری خود می‌داند. (مامدوا، ۱۳۸۷: ۱۰۳) در عین حال در این حوزه ما بیشتر شاهد اختلافات دو کشور هستیم. روسها در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر هم از نظر تعیین درصد سهم کشورهای حوزه خزر به منافع ایران توجه نکرده و سعی کرده‌اند بیشتر بر منافع خود اتکا کنند.

موضع منفی ایران و روسیه نسبت به حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای در پهنه آبی و سواحل خزر، این دو کشور را به اقدام در دو محور جداگانه و متفاوت واداشته است. از یک سو روسیه از طریق گسترش روزافزون توان و امکانات رزمی، هدف حفظ برتری نظامی خود در دریای خزر را دنبال می‌کند و از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران با اولویت دادن به فعالیت‌های دیپلماتیک و استفاده حداکثری از ابزارهای سیاسی به دنبال کاهش تهدیدهای ناشی از

حضور و نفوذ کشورهای نظیر آمریکا در منطقه است و تا حد ممکن هدف کاهش سطح فعالیت نظامی را دنبال می‌کند. (شیخ‌الاسلامی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۲)

اما به طور کلی می‌توان گفت که مساله خزر در عین حال هم محل تلاقی منافع روسیه و ایران و در عین حال محل اختلاف نظر دو کشور است. مواضع دو کشور که با هم تلاقی دارد از این قرار است: هر دو کشور آماده هستند تا به دستورالعمل‌های مندرج در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و شوروی پایبند باشند. طبق دستورالعمل‌ها، فضای آبی برای همه کشورهای پیرامون دریای خزر مشترک بوده، آزادانه اجازه شنا دارند و حضور نیروهای مسلح کشورهای ثالث در این آبها مجاز نیست. هر چند که اختلافاتی هم در ارتباط با سهم ایران، تفکیک مناطق به ملی، سرزمینی و ماهیگیری و کنوانسیون سال ۱۹۸۲ وجود دارد اما روسیه و ایران در تلاش برای حل مساله به نفع همه کشورهای ساحلی و حفظ منافع انرژی و اکولوژی دریای خزر با هم متحد می‌شوند. (ایوانف و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۸)

طبق معادلات واقع‌گرایی تدافعی می‌توان به این نتیجه رسید که ایران و روسیه علیرغم اختلافات و اشتراکاتی که در دریای خزر با هم دارند در کل همکاری را در این حوزه در دستور کار خود قرار داده‌اند چرا که مولفه‌های دیگری نیز در حوزه دریای خزر وجود دارد.

اوراسیاگرایی و همکاری‌های نظامی ایران و روسیه

اوراسیاگرایی بر رابطه ایران و روسیه در مسایل نظامی-امنیتی و همکاری‌های دفاعی نیز تاثیر مثبت داشته و موجبات نزدیکی دو کشور را فراهم آورده است. بعد از فروپاشی شوروی، اقتصاد روسیه دچار بحران‌های زیادی بود که برای مقابله با این بحران‌ها، نیاز شدیدی به ارز-های معتبر داشت که در این دوره به اذعان خود روس‌ها تنها حوزه‌ای که روسیه حرفی برای گفتن داشت، حوزه تکنولوژی نظامی و فروش تسلیحات بود. ایران تسلیحات کمتری را نسبت به هند و چین از روسیه وارد کرده، اما با این حال، سومین خریدار سلاح‌های نظامی این کشور بوده است». (کاسانیوا، ۲۰۱۶: ۳)

از زمان خاتمه جنگ ایران و عراق، روسیه به تامین کننده اصلی جنگ افزارهای نظامی ایران بدل شده است. فروش هواپیماهای جنگنده، سیستم‌های پدافند موشکی، تانک و نفربر زرهی و زیردریایی نمونه‌هایی از اقلام نظامی مهمی است که روسیه در اختیار ایران قرار داده است. (طارمی، ۱۳۸۱: ۵۶)

تماس‌های نظامی ایران و روسیه بطور ویژه از سال ۲۰۰۱ شروع شد که منجر به یک قرارداد چندین میلیارد دلاری در سال‌های بعدی گردید. نهایتاً تعدادی از معاملات عملی شد. (کاسانیوا، ۲۰۱۶: ۳) در سال ۲۰۰۷ قرارداد نظامی در مورد تحویل سامانه موشکی اس-۳۰۰ میان ایران و روسیه منعقد شد که دمیتری مدودف در سال ۲۰۱۰ طبق قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد تحویل این سامانه به ایران را ممنوع کرد. (ولمن، ۲۰۱۰: ۱۰) اما با روی کار آمدن پوتین به عنوان رییس جمهوری و ارتباط نزدیکتر وی با ایران اولین محموله این سامانه در ۲۴ فروردین ۱۳۹۵ (۱۲ ماه آوریل ۲۰۱۶) وارد ایران شد. (کاتز، ۲۰۱۶: ۳) امروزه در ایران نوآوری‌های نظامی، بیشتر برآمده از جنگ افزارهای روسی است که این عامل باعث شده تا روسیه منافع درخوری را از این راه به عنوان یک بازار به دست آورد. حضور تعداد زیادی از مشاوران نظامی روسی در ایران در شرایطی که کشورهای غربی در تامین نیازهای تسلیحاتی ایران خودداری کرده‌اند از اهمیت بسیاری برخوردار است. اعزام نظامیان ایرانی به روسیه برای فراگرفتن آموزش‌های گوناگون، ابعاد این همکاری‌های گسترده را روشن ساخته است. (جعفری، تقی نژاد، ۱۳۹۱: ۶۹)

اوراسیاگرایی و همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه

همکاری‌های دوجانبه ایران و روسیه در زمینه‌های اقتصادی و تجارت از دیگر موضوعات همکاری دو طرف است. در حوزه تجارت و انرژی که یک بعد همکاری تهران و مسکو تلقی می‌شود، چندان ابعاد مثبتی را نمی‌توان شاهد بود که دلایل متعددی از جمله تحریم‌های بین‌المللی، سیستم نامناسب بانکداری و نحوه عملکرد تاجران دو کشور باعث ایجاد این شکاف در سطح روابط دو جانبه ایران و روسیه شده است. (زارعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۲) واردات روسیه از ایران از سال ۲۰۰۰، ۴۴ میلیون دلار به ۹۲۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۳ بوده است. این روند رشد طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ ادامه داشته که به حدود ۳۴۱ میلیون دلار رسیده و بعد از رفع تحریم‌ها طی سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ حدود ۹۱ درصد رشد را شامل شده است. اما در مورد صادرات روسیه به ایران طبق آمار در سال ۲۰۰۰، ۷۳۹ میلیون دلار بوده که تا سال ۲۰۰۵ که به ۲ میلیارد رسیده است روند ثابتی داشته است. مجدداً در سال ۲۰۰۶ شاهد این کاهش هستیم و در سال ۲۰۰۷ روند صعودی را در پی داشته است که بیشترین مقدار در سال ۲۰۱۱ بوده که به ۳ میلیارد دلار بالغ شده و مجدداً روند نزولی را در سال ۲۰۱۲ تا

۲۰۱۴ طی کرده و بعد از لغو تحریم‌ها هم شاهد افزایش ۷۰ درصدی تجارت هستیم که این مقدار در سال ۲۰۱۶ به حدود ۷۰۰ میلیون دلار رسیده است. (<http://atlas.media>, 2000-2014)

اوراسیاگرایی و همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه

در روابط هسته‌ای از آنجا که این رابطه و همکاری بر مبنای پروژه‌های صلح آمیز می‌باشد، می‌توان رابطه ایران و روسیه را مثبت ارزیابی کرد. البته در مقطعی که معطوف به سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ است به دلیل تحریم‌های اعمال شده، همکاری‌های دو کشور کاهش یافته است. در ژانویه سال ۱۹۹۵ قراردادی میان ایران و روسیه برای تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر به امضا رسید. «بر اساس وعده ولادیمیر پوتین، گشایش نیروگاه بوشهر باید در سال ۲۰۰۵ اتفاق می‌افتاد؛ اما این امر با تأخیرهای مکرر مواجه شد و گشایش آن به پایان سال ۲۰۰۹ موکول گردید». (ترین، ۲۰۰۹: ۳) در نهایت، نیروگاه هسته‌ای بوشهر در آگوست ۲۰۱۱ به مرحله بهره‌برداری رسید و از آن برای تولید برق استفاده می‌شود.

در بررسی رویکرد روسیه به مساله هسته‌ای ایران می‌بایست در ابتدا، علاوه بر نوع کنش‌ها، مذاکرات، روابط و قراردادهای میان ایران و روسیه، متغیر روابط آمریکا و روسیه را در نظر گرفت. در کل، تداوم همکاری‌های نامنظم یا همراه با کارشکنی روسیه در مساله هسته‌ای با ایران طی سال‌های بعد از ۲۰۰۰ عاملی برای بهبود و یا سردی روابط میان تهران و مسکو بوده است. «اقدام ایران در عدم پذیرش طرح روسیه در موضوع مبادله سوخت هسته‌ای و توافق با ترکیه و برزیل و اعتماد به ترکیه، با واکنش شدید مقامات روس مواجه شد. تهران به‌طور ضمنی روسیه را غیر قابل اعتماد دانست. (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۸۲-۱۸۴) برآیند این سردی روابط در حمایت کامل مسکو از صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل بازتاب پیدا کرد. واقعیت این است که روسیه ایران هسته‌ای و یا هر قدرت هسته‌ای دیگری را، بویژه در کنار مرزهای خود تهدیدی جدی علیه حوزه نفوذ و امنیت خود می‌داند. از این رو، حمایت روسیه از ایران در پرونده هسته‌ای را بیش از هر چیزی می‌توان در قالب امکانی برای ایجاد موازنه قدرت با غرب ارزیابی کرد. نظر به این تفاسیر، تغییر روند مذاکرات هسته‌ای ایران بعد از سال ۲۰۱۳، یعنی بعد از به ریاست جمهوری رسیدن حسن روحانی، موجب آغاز رویه‌ای جدید از روابط میان ایران و روسیه شد که در نهایت، به امضای توافقنامه میان ایران و کشورهای ۱+۵ منجر شد. اجرای برجام از سوی ایران و کشورهای مذاکره کننده در سال ۲۰۱۵، زمینه‌های

توجه هر چه بیشتر مسکو به ایران را فراهم کرد. روند بحران‌های خاورمیانه، ضرورت همگرایی میان ایران و روسیه و نگرانی مسکو از نزدیک شدن تهران به آمریکا نیز از جمله مهم‌ترین عواملی بودند که شرایط همگرایی و ایجاد اتحاد استراتژیک را میان دو کشور فراهم کردند. (پاکامف، ۲۰۱۶: ۳) همچنین، کشور روسیه هم، پس از اجرایی شدن برجام، نسبت به گسترش همکاری‌های تهران با واشنگتن نگران بود. در نتیجه، پوتین برای ایجاد موازنه تهدید و با توجه به اصل همجواری با ایران، برای پیشگیری از گسترش حوزه نفوذ غرب به ایران، مسیر همگرایی استراتژیک را در پیش گرفت. این همگرایی در چارچوب منطق واقع‌گرایی تدافعی قابل تفسیر است و نموده‌های آن در بحران سوریه بروز پیدا کرد.

اوراسیاگرایی و همکاری‌های ایران و روسیه در سوریه

در روزهای پایانی سال ۲۰۱۰ رهبران کشورهای تونس، لیبی و یمن یکی پس از دیگری سقوط کردند. پس‌لرزه‌های این اعتراضات در ۲۶ ژانویه سال ۲۰۱۱ سوریه را نیز در بر گرفت. سوریه از سه ضلع موردتهاجم قرار گرفت: (۱) آمریکا، رژیم صهیونیستی و غرب؛ (۲) عربستان و کشورهای عربی؛ (۳) نیروهای داخلی مخالف اسد. (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۶۸) بحران سوریه برگی جدید از تاریخ مناسبات میان ایران و روسیه را موجب شد. بدین معنی که روسیه برای ایجاد موازنه تهدید در سطح جهانی در برابر غرب و ایران برای حفظ منطقه نفوذ خود، ائتلافی پر قدرت در سطح منطقه خاورمیانه ایجاد کرده‌اند. در واقع، «روسیه به ایران نیاز دارد چون تنها کشوری است که همزمان در عراق و سوریه و در معادلات میدانی و سیاسی دارای نقش ائتلاف‌ساز و موثر است. همزمان ایران به نقش روسیه در معادلات هوایی و ایجاد تعادل سیاسی - امنیتی جبهه رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یعنی ترکیه و عربستان و آمریکا نیاز دارد. این دو بازیگر همچنین به این درک رسیده‌اند که بدون تغییر در مواضع بازیگران رقیب منطقه‌ای حل منازعه داخلی سوریه حتی مبتنی بر یک توافق نسبی و برد - برد ناممکن بنظر می‌رسد. از سوی دیگر باید به تاثیرگذاری پیامدهای بحران سوریه بر منافع منطقه‌ای روسیه اشاره کرد. از جمله این پیامدها می‌توان به تاثیرگذاری سقوط احتمالی اسد بر موازنه منطقه‌ای (تضعیف رژیم‌های دوست مثل ایران در مقابل ائتلاف آمریکایی، اسرائیل و عربستان) به ضرر روسیه، از دست دادن پایگاه دریایی طرطوس و در نتیجه، کاهش مانور روسیه در شرق دریای مدیترانه و همچنین از دست دادن منافع تجاری و نظامی اشاره کرد. از سوی دیگر باید

به پیشروی غرب به سوی حاشیه روسیه و همچنین خطر بنیادگرایی افراطی که می‌توانست محیط امنیتی روسیه از جمله آسیای مرکزی، قفقاز و حتی خود روسیه را با چالش مواجه کند، اشاره کرد. (سیمبر و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۲۲) در واقع، یکی از مهمترین دلایل حمایت روسیه از اسد ریشه در نگرانی عمیق این کشور از گسترش اسلام سلفی - وهابی به جمهوری‌های اتحاد شوروی در قفقاز و آسیای مرکزی و جمهوری‌های مسلمان نشین این کشور دارد. (کوشکی و طاهری بزی، ۱۳۹۳، ۱۸۷) با وجود اینکه انگیزه‌ها و اهداف نهایی ایران و روسیه در سوریه با هم متفاوت است ولی اولویت‌های فعلی آنها یکسان است. مسکو و تهران به حفظ ساختار حکومتی کشور سوریه علاقه مند هستند. اگر چه هر کدام از این کشورها برای حفظ دولت سوریه دلایل مخصوص به خود را دارند ولی این وظیفه مشترک مطابق با همکاری ایران و روسیه است. (لوکاس، ۲۰۱۵: ۳) البته عواملی وجود دارد که همکاری ایران و روسیه در سوریه را به صورت اساسی محدود می‌کند؛ اولاً، ایران و روسیه هیچ کدام علاقه مند به ایجاد یک اتحاد کامل نیستند. مسکو تمایلی ندارد تا بخشی از اردوگاه طرفدار شیعه‌ای باشد که در برابر ائتلاف سنی به رهبری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس قرار دارد. ثانیاً مسکو به اسرائیل تضمین داده است که فعالیت‌های روسیه در سوریه هیچ تهدیدی برای اسرائیل نخواهد داشت. البته این موضوع بر خلاف منافع ایران است زیرا ایران تلاش می‌کند تا حضورش را در جنوب سوریه افزایش دهد و از این طریق دسترسی بهتری به حزب الله و مرزهای اسرائیل داشته باشد. اما در این میان آنچه همکاری دو کشور را به سمت همگرایی سوق می‌دهد پدیده تروریسم و افراطگرایی اسلامی است. تروریسم و افراطگرایی اسلامی یک تهدید امنیتی عظیم برای روسیه و ایران به شمار می‌رود و مداخله این دو کشور در سوریه نیز به واسطه نیاز به نابود کردن گروه داعش و از بین بردن تهدید آن برای امنیت ملی روسیه و ایران قابل توجیه شده است. (مازاراف، ۲۰۱۶: ۳) گروه صوفان^۱ یک سازمان فعال در امور امنیتی اعلام کرده است تعداد کسانی که از روسیه و آسیای مرکزی به عضویت داعش درآمده‌اند و در سوریه می‌جنگند از سال ۲۰۱۴ سیصد درصد افزایش یافته است. (تسیاگانف، ۲۰۱۶: ۳)

به طور کلی، ماهیت فعالیت‌های ایران و روسیه را در دو بعد سیاسی و نظامی در خصوص تحولات سوریه باید در این جمله خلاصه کرد که مسکو و تهران تلاش دارند با باطل کردن طرح آمریکا در منطقه چهره سیاسی و نظامی جهان را تغییر، و معادله جدیدی را ارائه دهند که در

^۱ - The Soufan Group

آن موازنه قوا بر اساس شکل و هیئت جدید عرصه بین‌المللی شکل گرفته است. (نجات، ۱۳۹۶: ۴۸)

منطقه خاورمیانه به معنای واقعی گرفتار معمای امنیت است و امنیت به یک کالای تقریباً نایاب تبدیل شده است. بنابراین بر اساس مفروضات واقع‌گرایی تدافعی به طور کلی می‌توانیم مشاهده کنیم که تحولات نوین خاورمیانه؛ خصوصاً از آغاز خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی، مواضع جدیدی را در روابط دو کشور نشان داد. اینکه مواضع ایران و روسیه با نزدیکی راهبردی به هم، زمینه را برای نوعی از هم‌پیمانی نوین و کلان در روابط دو کشور شکل داد و همین عاملی بود که ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و موثر در تحولات نوین خاورمیانه، به عنوان یک هم‌پیمان در سیاست خارجی روسیه مورد توجه قرار گیرد. (مارگولوف، ۲۰۱۳: ۷-۵)

واقع‌گرایی تدافعی، ایران و اوراسیاگرایی روسی

سیاست خارجی روسیه طی سال‌های اخیر، متأثر از رویکرد عمل‌گرایانه خود به رابطه مستقیم بین امکانات و گستره اقدام، توجه کرده است. سیاست خارجی هنجارمند پوتین در این زمینه بر آن بوده است تا با نشان دادن خود به غرب به عنوان شریکی که می‌توان با آن معامله کرد، به بازسازی جایگاه خود در نظام بین‌الملل پرداخته و بتواند هر چه سریع‌تر بر مشکلات روسیه به لحاظ توسعه فائق آمده تا هم‌زمان به یکی از قطب‌های برتر جهان و صد البته همسنگ به ایالات متحده آمریکا مبدل گردد. (استفانف، ۲۰۱۶: ۳)

روابط ایران و روسیه در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قالب همکاری احتیاط‌آمیز (از جانب روسیه) و نگرش مصلحتی (از جانب ایران) در حوزه‌های منافع مشترک، صورت گرفته است. روابط ایران و روسیه در سطح کلان (بین‌المللی)، غیر از ضرورت‌های ناشی از نزدیکی جغرافیایی، سابقه تاریخی، همکاری‌های اقتصادی و رقابت منطقه‌ای، به دلیل موقعیت ویژه‌ای است که هر یک در عرصه سیاست بین‌المللی دارند. به عقیده برخی از تحلیلگران، روابط ایران و روسیه تابعی از ملاحظه‌های راهبردی روسیه در سطح بین‌الملل است. این کارشناسان معتقدند مسایلی مانند اقدام‌های یک جانبه آمریکا و مسئله گسترش ناتو به شرق، موجب نگرانی روسیه و ترس از منزوی شدن در سطح بین‌المللی شده است. (رئیس زاده، ۲۰۱۳: ۳)

بنابراین با اقدام‌هایی مانند توسعه روابط با ایران، تلاش می‌کنند تا همچنان جایگاه خود را به عنوان یک قدرت بزرگ حفظ کنند. حتی همکاری‌های هسته‌ای با ایران، در راستای افزایش قدرت چانه زنی روسیه در سطح بین‌الملل و افزایش توان تأثیرگذاری این کشور و مقابله با

تلاش‌های آمریکا با محدودسازی فضای مانور این کشور در سطح بین‌الملل است. (آنتونکف، ۲۰۱۱: ۳) بنابراین همکاری‌های ایران و روسیه، پاسخ راهبردی به تلاش‌های آمریکا برای توسعه نفوذ خود در منطقه است. به همین سبب، برای روسیه گزینه ایران کنونی بر گزینه ایران همسو و یا زیر سلطه غرب برتری راهبردی دارد. دو کشور دارای منافع مشترک متعددی هستند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) ایران و روسیه با نظام بین‌المللی تک قطبی، هژمونی و یکجانبه‌گرایی آمریکا مخالفت جدی دارند.

(۲) ایران و روسیه نسبت به برخورد دوگانه غرب در زمینه حقوق بشر و دموکراسی معترضند و در بیانیه‌های متعدد به وجود استاندارد دوگانه در غرب برای مواجهه با این موضوع اشاره کرده‌اند و از آن انتقاد می‌کنند.

(۳) هر دو کشور مخالف تضعیف سازمان ملل در حل و فصل بحران‌های جهانی هستند و این مسئله زمینه را برای همکاری دو کشور مهیا می‌کند.

بر این اساس راهبرد نگاه به شرق در ایران با اوراسیاگرایی در روسیه اشتراک‌هایی دارد که رئالیسم تدافعی باعث توجه هر دو کشور به رابطه با یکدیگر می‌شود. زیرا هر دو کشور مهمترین مانع پیشبرد سیاست خارجی خود را نظام بین‌الملل تک قطبی با برتری هژمونیک آمریکا تلقی می‌کنند. علاوه بر این باید توجه داشت که ایران و روسیه در برابر نظام نوین بین‌المللی، مخالفت با جدایی طلبی قومی، یکپارچگی سرزمینی، ثبات و نفوذ منطقه‌ای، مخالفت با نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تروریسم، دیدگاه‌های مشترک نسبی دارند. (لوکیانوف، ۱۳۹۵: ۶-۱۰)

امروزه با آنکه روسیه از پیشروی ناتو به سمت شرق و گسترش اتحادیه اروپا به شدت ناراضی است، لیکن در سایه این نگرش در مرحله نخست خواهان این است که از سوی غرب به عنوان قدرتی بزرگ و همسان با دیگر قدرت‌ها به رسمیت شناخته شده و هنوز خود را بخشی از مجموعه قدرت‌های غربی در نظر گرفته و می‌خواهد در شراکت با آمریکا حق اعمال سیاست خارجی یک ابرقدرت را داشته باشد. (ترین، ۲۰۱۶: ۳) و در مرحله دوم، قصد دارد که در سایه تأمین ثبات و جلوگیری از شدت یافتن ناآرامی‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز ایران را با توجه به نقش تأثیرگذار آن در منطقه به عنوان عاملی برای حفظ موازنه قوا در منطقه خلیج فارس و در برابر کشورهای عربی که از جانب غرب به ویژه آمریکا به شدت تجهیز می‌شوند

برای خود محفوظ دارد (ترین، ۲۰۱۳: ۳) بر مبنای نوواقع‌گرایی تدافعی، الگوی غالب رفتاری سیاست خارجی ایران و روسیه، بیش از بیشینه‌سازی قدرت و امنیت (نوواقع‌گرایی تهاجمی)، موازنه‌سازی از طریق استفاده از فرصت‌هایی است که جایگاه نسبی قدرتش ایجاد می‌کند. به‌گونه‌ای که ایران و روسیه بیش از تلاش برای حفظ موازنه منطقه‌ای و جایگاه نسبی قدرت خود، در صدد افزایش سهم خود از توزیع قدرت منطقه‌ای و جهانی به قیمت از دست دادن آن توسط رقا می‌باشند. از این‌رو، در چارچوب نوواقع‌گرایی تدافعی، سیاست خارجی ایران و روسیه نسبت به مسائل جهانی تا حد زیادی مشترک است. به این معنا که هر دو کشور در پی استفاده بهینه از موقعیت قدرت خود و افزایش آزادی عمل و امنیت در عرصه‌های جهانی هستند. بر این اساس مطابق با چارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی ایران و روسیه ناگزیرند در عرصه‌های بین‌المللی با یکدیگر به همکاری بپردازند. زیرا اگر این همکاری شکل نگیرد، دو کشور با تهدیدهای مشترکی از سوی ساختار نظام بین‌الملل و آمریکا به عنوان قدرت مرکزی آن مواجه می‌شوند. در واقع الزامات واقع‌گرایی تدافعی دو کشور را ناگزیر به همکاری در حوزه‌های امنیتی در مناطق پیرامونی مشترک می‌کند. بر این اساس ایران و روسیه در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارای اهداف و منافع مشترکی می‌باشند که این دو کشور را در جهت تقویت روابط استراتژیک سوق می‌دهد. (رو و راگرس، ۲۰۱۵: ۳) با این حال یکی از برجسته‌ترین نقاط قوت واقع‌گرایی تدافعی را می‌توان توانایی در ورود به اصل و محور موضوعات پیچیده دانست. اگر امنیت را هدف غایی دولت‌ها بدانیم، در این صورت ائتلافها استحقاق این را دارند که در کنار فتوحات ارضی و ازدیاد تسلیحات به عنوان ابزاری جایگزین یا مکمل در نظر گرفته شوند. اطمینان دهی به یک متحد نسبت به میزان حمایت می‌تواند ترس ناشی از تنها گذاشتن را کاهش دهد، اما می‌تواند خطر در تله افتادن را افزایش دهد، چرا که دولت متحد می‌تواند از حمایت دولت متحد خود در جهت پیشبرد منافع شخصی خود استفاده کند. (هران، ۲۰۱۶: ۳). اوراسیاگرایی به عنوان نظریه حاکم بر سیاست خارجی روسیه نقش غیر قابل انکاری در دیدگاه روسها نسبت به جهان پیرامون خود از جمله ایجاد ائتلاف با کشورهای مختلف نظیر ایران دارد. این امر در شرایطی که واقع‌گرایی تدافعی بنیان‌های مستحکمی برای تحکیم روابط ایران و روسیه بوجود می‌آورد، می‌تواند زمینه مناسبی برای توسعه روابط دو کشور ایجاد کند.

نتیجه‌گیری

بعد از پایان جنگ سرد شاهد چرخشی عمیق و طرح دکترین‌هایی جدید در سیاست خارجی روسیه بودیم. دو دکترین آتلانتیک‌گرایی و اوراسیاگرایی به عنوان دو راهبرد، محصول شرایط و تحولاتی بود که کشور روسیه پس از پایان جنگ سرد تجربه نمود. بر این اساس که در مقاطع ابتدایی پس از سقوط نظام کمونیستی، با توجه به نگاه مثبت به غرب دکترین آتلانتیک‌گرایی مطرح شد و در ادامه پس از برخورد با آمریکا در نتیجه تضاد منافع با آن، دکترین اوراسیاگرایی طرح شد و در دستور کار مقامات سیاسی مسکو قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که رویکرد و نوع کنش روس‌ها در نگاه به مناطق حیاتی موردنظر آنان را تعیین کرده است تقابل با کشور ایالات متحده آمریکا می‌باشد. از اواسط دهه ۱۹۹۰ جلوگیری از گسترش منطقه نفوذ آمریکا در دستور کار کرملین قرار گرفت. ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی بنا به دلایل بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی به سمت گسترش روابط دو جانبه در سطوح مختلف حرکت کردند. به عبارت دیگر این دو کشور در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارای اهداف و منافع مشترکی می‌باشند که این دو کشور را در جهت تقویت روابط استراتژیک سوق می‌دهد. پس از روی کار آمدن پوتین، در کنار دیدگاه‌های و سیاست‌های رو به پیشرفت پوتین، تغییرات نظام بین‌الملل نیز به میل این کشور صورت گرفت. در این برهه زمانی روسیه درصدد بازگرداندن آبروی از دست رفته خود و حفظ حاکمیت خود در منطقه بود. بنابراین از هیچ تلاشی برای بازتعریف هویت کشور روسیه دریغ نداشت. در این بین افزایش قیمت انرژی اعتماد به نفس و افزایش قدرت را برای روسیه به همراه داشت. این مساله انگیزه لازم را به روسیه داد تا در برابر ایالات متحده آمریکا، موضع‌گیری کند و نظام تک قطبی را به چالش بکشد و از سیاست دنباله روی به موازنه قدرت برآید. این مساله اتخاذ راهبرد تهاجمی را برای روسیه به همراه داشت. در دکترین اوراسیاگرایی پوتین، روسیه و ایران به عنوان هارتلند همگرایی اوراسیایی در مقابل ائتلاف آتلانتیکی مکمل ژئوپلیتیکی یکدیگرند. در این رویکرد کاملاً ژئواستراتژیکی مدیریت توانمند آن حتی می‌تواند ائتلاف آتلانتیکی در نظام ژئوپلیتیکی جهان را به چالش بکشد. زیرا در یک طرف آن، روسیه تکیه‌گاه استراتژیکی ایران در مقابل غرب محسوب می‌شود و در طرف مقابل، ایران بزرگترین نقطه ضعف آمریکا، رقیب سنتی روس‌ها در عرصه رقابت جهانی است. بر این اساس هر چه اوراسیاگرایی در روسیه تقویت شود، جایگاه ایران نزد مسکو نیز بهبود خواهد یافت.

منابع فارسی:

کتاب

- المن، کالین (۱۳۹۴)، واقع‌گرایی، در کتاب نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم، به کوشش مارتین گریفیتس، مترجم علیرضا طیب، علیرضا، تهران، چاپ سوم، نشر نی
- جانسیز، احمد (۱۳۹۰)، اوراسیاگرایی نو: پنجره‌ای رو به ایران، مجموعه مقالات همایش ملی نقش زبان و فرهنگ در چشم انداز توسعه و روابط ایران و روسیه، انتشارات دانشگاه گیلان
- جیمز دوئرتی، رابرت فالتزگراف (۱۳۸۸)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران، نشر قومس
- کولایی، الهه (۱۳۹۲)، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران، وزارت امور خارجه
- کولایی، الهه (۱۳۹۳)، سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی، تهران، انتشارات سمت
- لوکیانوف، فئودور (۱۳۹۵)، باز تعریف اوراسیایی نظم جدید جهان، ایراس (موسسه مطالعات ایران و اوراسیا)
- مهدی سنایی، جهانگیر کرمی (۱۳۸۷)، روابط ایران و روسیه (مجموعه مقاله)؛ به کوشش، موسسه مطالعات ایراس
- مامدوا، نینا (۱۳۸۷)، مناسبات اقتصادی ایران و روسیه، در کتاب روابط ایران و روسیه، موسسه فرهنگی مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، ایراس
- نجات، سید علی (۱۳۹۶)، بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
- والتس، کنث نیل (۱۳۹۴)، نظریه سیاست بین‌الملل، مترجم روح‌الله طالبی‌آرانی، تهران، نشر مخاطب

مقالات

- اخوی، امید (۱۳۹۰)، غرب و شرق در دیدگاه روسیه، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۵۹
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره اول
- بهشتی پور، حسین (۱۳۹۰)، همکاری‌های دو جانبه جمهوری اسلامی ایران و روسیه در

- قفقاز جنوبی؛ نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدها، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۴ - دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، نو واقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۱، بهار
- رضا سیمبر، علی اصغر ستوده، علی اسمعیلی (۱۳۹۵)، راهبرد روسیه در بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۴)، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۲
- طارمی، کامران (۱۳۸۱)، همکاری‌های ایران و روسیه و سیاست‌های آمریکا در قبال ایران، مجلس و پژوهش، سال ۹، شماره ۳۵
- علی اکبر جعفری، تقی نژاد، روح‌الله (۱۳۹۱)، بایسته‌های روابط آینده ایران و روسیه؛ از الزامات فناوری پایه تا اقتضائات انرژی محور، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۰
- فرهاد عطایی، فاطمه تفتیان (۱۳۹۳)، قدرت یابی دوباره روسیه در نظام بین‌الملل و افزایش تنش در روابط آمریکا و روسیه ۲۰۰۰-۲۰۰۸، فصلنامه سیاست، شماره ۲
- فرهاد عطایی، اعظم شیبانی (۱۳۹۰)، زمینه‌های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۸
- فیضی، سیروس (۱۳۹۰)، منطقه نفوذ؛ راهبرد قدرت‌های بزرگ، فصلنامه راهبردی جهان اسلام، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، سال دوازدهم، شماره ۴۵
- قاسم ترابی، علی محمدیان (۱۳۹۴)، تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه از منظر واقع‌گرایی تدافعی، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره دوم، شماره ۳
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیت‌ها، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۶
- مطهره حسینی، مریم ابوالحسنی (۱۳۹۵)، جایگاه ایران در مکاتب فکری سیاست خارجی روسیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳
- معصومه زارعی، ارسلان قربانی و غلامرضا کریمی (۱۳۹۳)، اوراسیاگرایی روسیه، بنیادها، اندیشه و نتایج و تاثیر آن بر رابطه ایران و روسیه از سال ۲۰۰ تا ۲۰۱۵، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیستم
- محمد حسن شیخ‌الاسلامی، سید محمد حسن حسینی و صارم شیراوند (۱۳۹۴)، تاثیر نظامی

کردن حوزه دریای خزر بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۹

- محمد صادق کوشکی، ابراهیم طاهری بزی (۱۳۹۳)، حضور روسیه در خاورمیانه در دوره پوتین (احیای نفوذ روسیه در کشورهای زیر نفوذ اتحاد شوروی)، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، شماره ۱

- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۲)، موازنه راهبردی و سیاستگذاری امنیتی روسیه در نظام بین‌الملل، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۶، پاییز و زمستان

خبرگزاری

- سقائیان، علی (۱۳۹۴)، ظرفیت‌های کنونی روابط روسیه و ایران، خبرگزاری فارس، دوم آذر ۱۳۹۴، قابل دسترس در:

<http://www.farsnews.com>

- قاسمی، اختر (۱۳۹۳)، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه و گفتمان اوراسیاگرایی، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۷ اسفند ۱۳۹۳، قابل دسترس در:

<https://www.cmess.ir>

English Resources

Book

- Ben- Itzhak, Steven (2011), **Realism and Neorealism, in John T. Ishiyama and Marijke Breuning**, eds., 21 st Century Political Science: A Reference Handbook, Los Angeles: Sage.

- Haran, VP (2016), **Roots of the Syrian Crisis**, Institute of Peace and Conflict Studies (IPCS).

- Ivanov Et Al. (2014). **Modern Russian_Iranian Relations: Challenges And Apportunities**, Russian International Affairs Council

- Kassianov, A. (2006), **Russian-Iranian Defence Cooperation vs. US Saanc-tions**. Russian Weapon Steat to Iran:Way they are Unlikeky to Stop

- Kirshner, jonathan (2010), **the tragedy of offensive realism: classical realism and the rise of china**, European journal of international relations.

- Kozhanov, Nikolay.(2012), **Russia's Relations with Iran,Dialogue without Commitments**, Policy Focus 120, whashington institute for near east policy

- Maleki,A (2007), **Iran's new Asian identity**, Novikova, Amrots (ed.); Regional Security Issues: 2007; Yerevan: Amrost Group

- Margelov, Mikhail (2013), **Russia's Vision for the Middle East and North Africa**, Chatham.
- Mearsheimer, John J. (2001), **The Tragedy of Great Power Politics**, New York: Norton
- Mearshiemer, John. (2004), **The Tragedy of Great Power Politics**, New York: Norton Company
- Rogers, Paul & Reeve, Richard (2015), **Russia's Intervention in Syria: Implications for Western Engagement**, Oxford Research Group
- Shiping, tang, (2008), **from offensive realism to defensive realism: a social evolutionary interpretation of china's security strategy**, cornell university press
- Trenin, Dmitri, Russia's Policy in the Middle east: Prospects for consensus and conflict with the united states, A Century foundation Report, The Carnegie Endowment, 2009
- Victor, D. Cha (2006), **defensive realism and Japan's approach toward Korean reunification**, NBA analysis
- Wagner, R. H. (2007), **War and the State**, Ann Arbor: University of Michigan Press
- Walt, S (1987), **Origins of Alliance**. New York: Cornell University Press
- Waltz, Kenneth H. (1979), **Theory of International Politics**, New York: Random House

Articles

- Jervis, Robert (1999), **Realism, Neoliberalism, and Cooperation: understanding the debate**, International Security, summer, 24 (1).
- Kassianova, Alla (December 2016), **Russian Weapons Sales to Iran Why They Are Unlikely to Stop PONARS Policy**, Memo No. 427.
- Katz, Mark N (2016), **Russia, Iran and Central Asia: Impact of the U.S Withdrawal from Afghanistan**, Iran Regional Forum, No. 3, Elliott School of International Affairs, The George Washington University.
- Mearsheimer, John J. (2009), **Reckless States and Realism**, International Relations, 23 (2)
- Sergunin, Alexander A (2004), **Discussions Of International Relations In Post Communism Russia**, Communist And Post-Communist Studies, Vol. 37. No. 1
- Stepanova, Ekaterina (2016), **Russia's Policy on Syria after the Start of Military Engagement**, Institute of World Economy and International Relations (IMEMO), No. 421
- Tsygankov, Andrei (2015), **Vladimir Putin's Last Stand: The Sources of Russia's Ukraine Policy**, Post-Soviet Affairs, Vol. 31. No.4

Site

- Antonenko, Oksana (2011), **Russian Military Involvement in the Middle East**, Meria Journal, Vol. 5, No. 1, Available at: www.meria.com/article
- Belobrov, Y. Y. and Others (2014), **Modern Russian–Iranian Relations: Challenges and Opportunities**, Russian International Affairs Council (RIAC), (Accessed on: 15/5/2015), pp. 21-27, Available at: <http://russiancouncil.ru/common/upload/WP14Russia-Iran-En.pdf>
- Dobbs, Joseph, (2016), **Why the West Specially Europe Needs Russia**, European Leadership Network: Available at: <http://www.europeanleadershipnetwork.org>
- Juardo, Elena,(2016),**Russia’s role in a multi-polar world**, foresight (foreign common futures in a multi-polar world):6,7,Available at: www.policy-network.net/publications_download.aspx?ID=3366
- Koshkin,Pavel (2015), **Some You Win, Some You Lose: Russia's Foreign Policy In 2015**,Russia Direct, November 30. Available at: <http://www.russia-direct.org/qa/some-you-win-some-you-lose-russias-foreign-policy-20>
- Lucasm,S (2015),**The effects of Russian intervention in the Syria crisis**,Birmingham,UK:GSDRC,university of Birmingham, Available at: <http://www.gsdrc.org/publications/the-effects-of-russian-intervention-in-the-syria-crisis>
- Mazurova, Nicole, (2016), **Russia’s Response to Terrorism: History and Implications for U.S. Policy**, American Security Project (ASP): Available at: <https://www.americansecurityproject.org/wp-content/uploads/2016/10/Ref-0200-Russias-Response-to-Terrorism.pdf>
- NATO REVIEW MAGAZINE,(2016),**Ukraine and Russia: the Perceptions and Reality**, NATO Official Website, visited at October 25, Available at: <http://www.nato.int/docu/review/2014/russia-ukraine-nato-crisis/EN/index.htm>
- Pakhomov, Nikolay (2016), Moscow and Riyadh have incompatible goals, from energy to extremism, the National Interest. Available at: <http://nationalinterest.org/feature/russia-saudi-arabia-are-headed-showdown-16362?page=2>
- Putin, Vladimir (2015b),**Statement by President of Russia Vladimir Putin following the Completion of Negotiations on Iran’s Nuclear Programme**, Kremlin, July 14, Available at: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/49957>
- Rasizade, Alex (2013), **the Specter of a New Great Game in Central Asia**, Foreign Service Journal, No.1-2, pp. 40-57, Available at:www.fpreignservice.org
- SIPRI, (2017), **Biological, Chemical and Nuclear Weapons**, Stockholm International Peace Research Institute: Available at: <https://www.sipri.org/>

research/armament-and-disarmament/biological-chemical-and-nuclear weapons

- Terrorist Attacks in Russia's North Caucasus Down 50%." The Moscow Times. October 14, 2014. Available at: <http://bit.ly/2aQMZWj>.

-Tsvetkova, Maria,(2016),**How Russia Allowed Homegrown Radicals to Go and Fight in Syria. Reuters.** May 13. Available at: <http://reuters/1rK2cOn>

-Wellman, A (2010), **Russian- Iran foreign Relation**, American Enterprise Institute,Iran Tracker. 2 August 2010. Available at: <http://www.irantracker.org/foreign-relations/Russia-iran-foreign-ralations>

Resources Russia

- Дунаева Е.В,2012, Иран и Россия в современной геополитике // Восток (Oriens). **Научный журнал:** М, № 4.

- академии МИД РФ, Москва, Available at:

<http://cheloveknauka.com/iranskiy-faktor-vo-vzaimootnosheniyah-rossii-i-ssha-na-blizhnem-vostokey-i-v-tsentralnoy-azii>

- Сажин В.И.2011, Ракетно-ядерный потенциал Исламской Республики Иран. М.: МГУ, Available at: <https://books.google.com/books>

- Ю.Я. Белобров, 2014,Современные российско-иранские отношения: вызовы и возможности.Российский совет по междунар. делам],Москва , Available at: <http://russiancouncil.ru/activity/workingpapers/sovremennye-rossiysko-iranskie-otnosheniya-vyzovy-i-vozmozhn/>

- Юртаев В.И. 2012,Особенности и реализация внешней политики Исламской Республики Иран (1979–2010 гг.). М.: РУДН, Available at: <http://www.rad.pfu.edu.ru:8080/tmp/avtoref5611.pdf>

- иванов и.с.возвращение ирана (элекеронный ресурс). url: <http://www.rg.ru/2014/07/16/iran.html>(дата обращения 16.07.2014), Available at: <http://svop.ru/news/12031/>

- матвеев , александр,2014, Российско – иранские отношения в оценках политологического пространства Ирана,центр прикаспийских исследований, Available at: http://www.iran.ru/news/analytics/96750/Na_chey_storone_Iran

- Тренин, Д.В (Декабрь 2013), "Как Быть С «Новой Нормой» В Российско-Американских Отношениях ", Московский Центр Карнеги. Available At: <http://carnegie.ru/2013/12/20/ru-pub-54019>

- Тренин, Д.В (Апрель 2016),"Внешняя Политика России В Ближайшие Пять Лет: Цели, Стимулы, Ориентиры", Россия В Глобальной Политике. Available at :<http://carnegie.ru/2016/04/28/ru-pub-63462>